نوع مقاله: ترویجی

خرید و فروش امتیاز تسهیلات بانکی[1]

مهدی خطیبی/ استادیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ؒ m.khatibi@iki.ac.ir

دریافت: ۹۹/۰۹/۱۱ **پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۱/۲۶

چکیده

در کشورهایی مثل ایران که گرفتار تورم هستند، تقاضا برای تسهیلات بانکی بسیار بیشتر از عرضهٔ آن است. ازاین‌رو، برای کسانی که به هر دلیل در اولویت دریافت تسهیلات هستند، موقعیتی پدید آمده که دیگران حاضرند با پرداخت مبلغی آن را به‌دست آورند. تحقیق حاضر به دنبال آن بوده که ماهیت اولویت ایجادشده را بررسی کند، تا زمینه استنباط حکم شرعیِ خرید و فروش آن فراهم گردد. نتایج تحقیق حاضر که به روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده، نشان می‌دهد بین معرفی خریدار امتیاز تسهیلات به بانک جهت دریافت تسهیلات، و دریافت مستقیم تسهیلات توسط صاحب امتیاز و سپس واگذاری آن به دیگری تفاوت وجود دارد. در صورت اول فروش امتیاز (واگذاری حق اولویت در مقابل مال) صحیح است. در صورت دوم اگر تسهیلات، قرض‌الحسنه باشد دریافت مبلغی در ازای واگذاری تسهیلات، مصداق ربای قرضی است؛ و اگر تسهیلات، انتفاعی باشد چه از نوع مشارکتی و چه از نوع مبادله‌ای، دریافت مبلغی در ازای واگذاری تسهیلات، اکل مال به باطل است.

کلیدواژه‌ها: خرید و فروش، تسهیلات بانکی، امتیاز تسهیلات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[1]. این تحقیق با حمایت مالی معاونت پژوهش حوزه علمیه قم انجام شده است.

مقدمه

در دوران معاصر به موازات توسعه و پیشرفت جوامع بشری در بخش دانش و فناوری، روابط مالی نیز توسعه یافته و قراردادهای جدیدی برای انجام مبادلات طراحی شده است. در گذشته تأمین مالی سرمایه‌گذاری و مصرف برای کسانی که خود سرمایه نقدی کافی نداشتند، یا از طریق قرض انجام می‌شد یا از طریق معاملات نسیه؛ طرفین معامله نیز اشخاص حقیقی بودند. اما امروزه نهادهای مالی و پولی به صورت سیستمی طرح‌های سرمایه‌گذاری و نیازهای مصرفی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی را تأمین مالی می‌کنند و برای جذب سلایق گوناگون مدل‌های متنوعی را طراحی کرده و به مشتریان معرفی می‌کنند. امرزوه علاوه بر طراحی معاملات جدید، معاملات دارای سابقه نیز به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز توسعه یافته و مصادیق جدیدی بدان اضافه شده که قبلاً نبوده است. مثلاً معاملات مبتنی بر مالکیت فکری از قبیل اختراع یا چاپ و نشر آثار علمی در گذشته مورد معامله قرار نمی‌گرفت؛ اما امروزه یکی از بازارهای پررونق در بسیاری از کشورهاست.

بعد از شکل‌گیری و توسعهٔ نظام بانکی در جهان و تکمیل نقایص سیستم تأمین مالی اقتصاد سنتی با آن، بانک‌ها قراردادهای متنوعی برای برای جذب فعالان اقتصادی طراحی کردند. اما ازآنجاکه اقتصاد متعارف بر محور بهره استوار است، و براساس مبانی اسلامی بهره همان رباست (موسویان، ۱۳۷۷)؛ ردپای ربا در بسیاری از قراردادهای بانکی به چشم می‌خورد. نظام بانکی با همان چارچوب وارد ایران گردید و پیش از انقلاب هیچ تلاشی در راستای اسلامی‌سازی آن صورت نگرفت.

بعد از انقلاب اسلامی در راستای اسلامی‌سازی ارکان حکومت، قانون عملیات بانکی بدون ربا در تاریخ هشتم شهریورماه ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و دو روز بعد، از سوی شورای نگهبان تأیید گردید. این قانون با لحاظ حرمت ربا و بر مبنای توقیفیت عقود تدوین شده بود. این قانون در پنج فصل تدوین گردیده و فصل دوم و سوم آن به تجهیز منابع پولی و تسهیلات اعطایی بانکی اختصاص داشت. در این قانون که اکنون نیز مبنای عمل بانک مرکزی می باشد، اعطای تسهیلات به سپرده‌گذاران یکی از مشوق‌های مجاز برای جذب سپرده‌های مردم قرار داده شده است. ازاین‌رو، اعطای تسهیلات، یک امتیاز برای دارنده آن تلقی شده و بازاری غیررسمی برای آن شکل گرفته است.

از طرفی با توجه به اینکه معمولاً تقاضای وام بیش از عرضه آن است و منابع نهادهای مالی محدود است و همچنین لزوم حصول اطمینان از بازپرداخت تسهیلات، این نهادها بعضاً شرایط سخت‌گیرانه‌ای برای ارائه تسهیلات به مشتریان تعیین کرده‌اند. این امر باعث شده دستیابی به تسهیلات بانکی به یک امتیاز برای برخی که شرایط دریافت آن را دارند، تبدیل شود؛ به حدی که دیگران حاضرند در مقابل به‌دست آوردن آن، پول پرداخت کنند. این تمایل نه یک تمایل شخصی، بلکه تمایلی نوعی است و بسیاری از افراد جامعه که برای مصرف، سرمایه‌گذاری و غیره نیازمند منابع مالی هستند، متقاضی این تسهیلات هستند. این تمایل نوعی نیز سبب شکل‌گیری بازاری برای این تسهیلات گردیده است. با یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی و با به‌کاری‌گیری کلیدواژه خرید و فروش وام، به سهولت می‌توان آگهی‌های متعددی یافت که با شرایط گوناگون حاضر به فروش امتیاز یا پیشنهاد خرید وام هستند (سایت دیوار، بخش: خدمات، زیربخش: مالی / حسابداری/ بیمه). حتی سایت‌های تخصصی که فقط به خرید و فروش امتیاز تسهیلات و ارائه مشاوره در این زمینه می‌پردازند، راه‌اندازی شده است (https://vamchi.com).

البته ممکن است نقل و انتقال امتیاز تسهیلات، منع شده باشد. این منع می‌تواند از سوی ارائه‌دهندهٔ تسهیلات باشد و همچنین می‌تواند منعی از ناحیه نهادهای حاکمیتی باشد. گاهی نیز خود نهادهای مالی ارائه‌دهندهٔ تسهیلات، شرایطی را پیش‌بینی کرده‌اند که امکان انتقال قانونی امتیاز این تسهیلات به دیگران فراهم شود. حال پرسش اساسی این است که آیا پرداخت پول در مقابل به دست آوردن تسهیلات بانکی که خود از جنس پول و نوعاً به لحاظ واحد، همجنس با پولی هستند که به‌عنوان قیمت تسهیلات پرداخت می‌شود (مثلاً پرداخت ریال برای به دست آوردن تسهیلات ریالی)، به لحاظ فقهی و از منظر شرع صحیح است؟ آیا این معامله شبهه ربا ندارد؟

بعد از بررسی تفصیلی روشن شد که در این زمینه تحقیق خاصی صورت نگرفته و مسئله پیشنهٔ خاصی ندارد و این نکته می‌تواند نوآوری این تحقیق محسوب شود.

برای تبیین دقیق موضوع لازم است انواع سپرده‌گذاری و تسهیلات در سیستم بانکی کشور که در متن قانون بانک‌داری بدون ربا بدان اشاره شده و در سیستم بانکی رایج است، بیان گردد.

۱. انواع سپرده‌گذاری

براساس ماده سه قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند تحت دو عنوان به قبول سپرده مبادرت کنند: الف. سپرده‌های قرض‌الحسنه؛ که خود به جاری و پس‌انداز تقسیم می‌شوند. ب. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

قانون مزبور در ادامه با افزودن یک تبصره تصریح می‌کند که بانک در به کار گرفتن سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، وکیل است و به وکالت از سپرده‌گذاران آن را به صورت مستقیم سرمایه‌گذاری کند و یا در قالب عقود شرعی جهت سرمایه‌گذاری به متقاضیان تسهیلات واگذار می‌کند.

با توجه به تصریح این ماده بر قرض‌الحسنه بودن سپرده‌های جاری و پس‌انداز و همچنین وکالت بانک در به‌کار انداختن سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، می‌توان سپرده‌گذاری در سیستم بانک‌داری بدون ربا را تملیکی و وکالتی تقسیم کرد. توضیح بیشتر آنکه نوع اول و دوم از سپرده‌ها ماهیت قرض دارند؛ و لذا بانک بابت آنها سودی پرداخت نمی‌کند. ازآنجاکه در قرض مالکیت مال‌القرض به قرض‌گیرنده منتقل می‌گردد، لذا بانک مالک وجوه دریافتی محسوب می‌شود. اما در سپرده‌گذاری بلندمدت، مالکیت وجوه به بانک منتقل نمی‌گردد و بانک صرفاً وکیل سپرده‌گذاران در جمع‌آوری این وجوه به حساب می‌آید (موسویان، ۱۳۸۳).

همچنین در ماده ششم این قانون آمده است: بانک‌ها می‌توانند به منظور جذب و تجهیز سپرده‌ها با اتخاذ روش‌های تشویقی از امتیازات ذیل به سپرده‌گذاران اعطا کنند:

الف) اعطای جوایز غیرثابت نقدی و یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه؛

ب) تخفیف و یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد و یا حق‌الوکاله؛

ج) دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم.

۲. انواع تسهیلات بانکی

بانک‌ها منابع موردنیاز برای اعطای تسهیلات را از طریق جذب مازاد وجوه مردم تأمین می‌کنند. لذا انواع تسهیلات اعطایی نیز متأثر از انواع منابع تجهیزشده خواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد، سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت ماهیتی وکالتی دارند و بانک نمی‌تواند خارج از چارچوب تعیین‌شده در قرارداد با مشتریان اقدام به ارائه تسهیلات کند. اما سپرده‌های جاری و پس‌انداز ماهیتی تملیکی دارند و دست بانک در کیفیت ارائه تسهیلات بر پایهٔ آنها بازتر است.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا یک فصل با یازده ماده به تسهیلات اعطایی بانک‌ها اختصاص یافته است. طبق ماده چهاردهم این قانون بانک‌ها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای دوم و نهم اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند.

براساس مواد هفتم تا هفدهم (بجز ماده چهاردهم و پانزدهم) به بانک‌ها اجازه داده شده منابع تحت اختیار خود را برای گسترش فعالیت بخش‌های مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه و یا منابع موردنیاز این بخش‌ها را به صورت مشارکت تأمین کنند. همچنین طبق ماده هشتم، سرمایه‌گذاری مستقیم در طرح‌های تولیدی و عمرانی مجاز شمرده شده است. در ماده نهم تأمین منابع مالی لازم براساس قرارداد مضاربه به مشتریان مطرح شده است. طبق ماده دهم به بانک اجازه داده شده با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی واحدهای مسکونی ارزان قیمت به منظور فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک احداث کنند. طبق ماده یازدهم، دوازدهم و سیزدهم به بانک اجازه داده شده است بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف، اموال مورد درخواست را خریداری کرده و با اخذ تأمین به صورت اقساطی به مشتری بفروشند و یا در قالب اجاره به شرط تملیک به وی واگذار کنند؛ و حتی آن قسم از تولیدات تولیدکنندگان را که سهل‌البیع باشد، بنا به درخواست آنها پیش‌خرید کنند. طبق ماده شانزدهم به بانک‌ها اجازه داده شده به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی بازرگانی و خدماتی، مبادرت به جعاله کنند. طبق ماده هفدهم بانک‌ها می‌توانند اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارند، به مزارعه و یا مساقات بدهند.

براساس مواد فصل سوم می‌توان تسهیلات اعطایی بانک‌ها را نیز به دو بخش تملیکی و وکالتی تقسیم کرد.

۱ـ۲. تسهیلات تملیکی

همان‌گونه که از عنوان این دسته از تسهیلات پیداست، ارائه‌دهندهٔ تسهیلات، با قطع رابطهٔ خود از پول، مالکیت آن را به دریافت‌کننده

تسهیلات انتقال می‌دهد. در بین تسهیلات بانکی فقط تسهیلات قرض‌الحسنه است که به صورت تملیکی به متقاضی پرداخت می‌شود. براساس قانون بانک‌داری بدون ربا، دریافت سود در ازای تسهیلات قرض‌الحسنه ممنوع است؛ اما دریافت کارمزد اشکالی ندارد. ازآنجاکه مبلغ کارمزد در ایران همیشه با اختلاف فراوانی کمتر از سود بوده است؛ لذا تسهیلات قرض‌الحسنه همیشه متقاضی بیشتری دارد و کسانی که شرایط دریافت آن را دارند، صاحبان امتیاز ویژه محسوب می‌شوند.

۲ـ۲. تسهیلات وکالتی

در آن دسته از تسهیلات بانکی که مبلغ وام به متقاضی تملیک نمی‌شود، بلکه به وی وکالت داده می‌شود که آن را در طریقی که در متن قرارداد مشخص شده، مصرف کند، تسهیلات وکالتی اطلاق می‌شود. این دسته از تسهیلات دو دسته هستند؛ گاهی اساساً تملیکی صورت نمی‌گیرد و مشتری در پایان قرارداد معادل مبلغ وام گرفته‌شده را به بانک برمی‌گرداند؛ مانند تسهیلات مضاربه. در تسهیلات مضاربه، دریافت‌کننده تسهیلات مالک مبلغ وام و کالایی که با آن برای تجارت خریداری کرده، نمی‌شود. او به وکالت (وکالت به معنای عام) از صاحب سرمایه ـ یعنی بانک ـ کالاهایی را برای تجارت خریداری کرده و بعد از فروش آنها، سود حاصل را طبق قرارداد با صاحب سرمایه تقسیم می‌کنند. در نوع دوم تسهیلات وکالتی، بعد از آنکه کالا توسط دریافت‌کننده تسهیلات به وکالت از بانک خریداری شد، در معاملهٔ دیگری به وی تملیک می‌گردد. قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف و جعاله از این سنخ تسهیلات هستند.

۳. ماهیت فقهی امتیاز تسهیلات

در ایران تقاضا برای تسهیلات بیش از عرضهٔ آن است. یکی از علت‌های آن، برابری نرخ سود و نرخ تورم در بلندمدت است. در ایران متوسط تورم سالیانه در بلندمدت حدود ۱۸ درصد است (www.eghtesadonline.com). نرخ سود بانکی نیز معمولاً در همین حدود است. بنابراین کسانی که موفق به دریافت وام بانکی با سود اسمی ۱۸ درصد می‌شوند، سود واقعی پرداختی آنها در بلندمدت صفر است. همین امر باعث پیشی‌گرفتن تقاضا بر عرضهٔ تسهیلات شده است. ازاین‌رو، برای دریافت‌کنندگان تسهیلات هم از سوی بانک مرکزی و هم از سوی ارائه‌دهندگان تسهیلات، یعنی بانک‌ها و مؤسسات مالی، و حتی دولت، شرایطی تعیین شده است. با توجه به فلسفهٔ وجودی بانک مرکزی، شرایط تعیین‌شده از سوی آن نهاد بیشتر ناظر به تنظیم عرضه پول و اجرایی کردن سیاست‌های پولی و همچنین برقراری عدالت در توزیع تسهیلات است. گاهی نیز دولت‌ها با بررسی شرایط اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی تصمیم می‌گیرند تسهیلات خاصی را در اختیار اقشاری از جامعه قرار دهند؛ مثلاً در صورت بروز حوادث طبیعی و خسارت دیدن گروهی از مردم، دولت بانک‌ها را مکلف به پرداخت تسهیلات به خسارت‌دیدگان می‌کند. همچنین برای تسهیل امر ازدواج به هریک از زوجین که برای اولین بار ازدواج کرده باشند و یکسال از تاریخ عقد آنها نگذشته باشد، تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت می‌شود. این تصمیم دولت و ابلاغ آن به بانک مرکزی و سپس به سایر بانک‌ها سبب می‌شود افراد مزبور نسبت به دیگران در اولویت دریافت تسهیلات قرار بگیرند.

در تسهیلات غیرتکلیفی، بانک‌ها در چارچوب قوانین بانک مرکزی براساس منافع خود نسبت به اولویت‌بندی متقاضیان وام، اقدام می‌کنند. امروزه بسیاری از بانک‌ها برای تشویق مشتریان به افزایش سپرده‌گذاری، براساس موجودی صاحبان حساب نسبت به پرداخت تسهیلات خرد اقدام می‌کنند. اما در تسهیلات کلان، مکانیسم دیگری حاکم است، و بانک‌ها بعد از بررسی سودآور بودن پروژه‌های کلان، درصد ریسک آنها و تعیین حداقل وثیقه، اقدام به پرداخت تسهیلات کلان می‌کنند.

این دسته‌بندی مشتریان و اولویت‌بندی‌ها امتیازی برای صاحبان اولویت پدید می‌آورد و حتی ممکن است عده‌ای حاضر باشند برای به‌دست آوردن این امتیاز و به‌تبع آن دریافت تسهیلات، پول پرداخت کنند. البته گاهی این امتیاز قابل انتقال به غیر نیست؛ یعنی به لحاظ قانونی دولت یا بانک و یا مؤسسه مالی اجازه انتقال آن را به دیگران نمی‌دهد و فقط صاحب امتیاز می‌تواند خودش از آن استفاده کند. معمولاً تسهیلات تکلیفی دولت به بانک‌ها از این سنخ هستند. اما در مواردی ممکن است تسهیلات اعطایی قابلیت انتقال به دیگری داشته باشند. مثلاً در برخی از بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه درصورتی‌که امتیاز بهره‌مندی از تسهیلات، نتیجهٔ عملکرد حساب مشتری باشد؛ صاحب حساب می‌تواند امتیاز بهره‌مندی از وام را به دیگری منتقل کند؛ چراکه این امتیاز به نوعی ثمره و نمای دارایی

نقدی وی محسوب می‌شود؛ لذا استفاده از آن یا انتقال آن به دیگری از حقوق وی به‌شمار می‌آید. همچنان‌که در مورد اوراق گواهی حق تقدم چنین است. بانک مسکن در صورت سپرده‌گذاری حداقل به مدت سه ماه و به شرط آنکه میانگین سپردهٔ سرمایه‌گذار، حداقل معادل ۲۷ میلیون تومان باشد؛ پس از سه ماه برای هر ۲۷ میلیون تومان، سه برگه امتیاز تسهیلات مسکن و از ماه‌های پس از آن، هر ماه یک برگه امتیاز، به سپرده‌گذار اعطا می‌کند. وضعیتی که باعث می‌شود سپرده‌گذار در پایان یک سال، علاوه بر سود ۹ درصدی، ۱۲ برگه امتیاز تسهیلات مسکن در اختیار داشته باشد. اما کارکرد این برگه‌های امتیاز تسهیلات مسکن، علاوه بر دارا بودن ارزش‌زایی و قابلیت معامله و واگذاری به غیر، این است که هر شخص با خرید یک برگه از این اوراق می‌تواند نسبت به اخذ تسهیلات خرید از بانک مسکن اقدام کند (سایت بانک مسکن). البته شایسته یادآوری است که با توجه به اینکه سپرده‌گذاری همان قرض است، اعطای تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری درصورتی‌که به صورت شرط ضمن قرارداد سپرده‌گذاری باشد، با اشکال ربای حکمی مواجه است؛ چون سپرده‌گذار به بانک قرض می‌دهد، به شرط آنکه بانک به وی بعد از گذشت مدتی تسهیلات اعطا کند. فقیه باید در این زمینه مبنای خود را تعیین کند که آیا قرض به شرط قرض را ربا می‌داند یا آنکه همچون برخی از فقهای متقدم آن را جایز می‌دانند؟ (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص۱۰۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج۳، ص۳۱۹)

با توجه به اقتضائات دنیای مدرن تسهیلات بانکی در عصر حاضر یک رانت محسوب می‌شود و کسی که از امتیاز دریافت تسهیلات برخوردار است، به لحاظ اقتصادی از موقعیت بهتری برخوردار خواهد بود. ازاین‌رو، برای تسهیلات تقاضای قابل‌توجهی شکل گرفته و در مقابل، عرضه‌کنندگانی نیز برای آن وجود دارد؛ عده‌ای متقاضی تسهیلات هستند و عده‌ای دیگر عرضه‌کنندهٔ آن. با توجه به قابلیت واگذاری این تسهیلات به دیگران، هم به صورت قانونی و هم به صورت غیرقانونی، بازاری برای آن شکل گرفته و به اقتضای شرایط حاکم بر بازار مزبور، قیمتی نیز برای آن تعیین می‌شود. قیمت‌گذاری امتیاز تسهیلات به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ از جمله نرخ سود یا کارمزد تسهیلات، مدت بازپرداخت، سقف ضمانت موردنیاز.

با توجه به مطالب فوق می‌توان اذعان کرد که امتیاز تسهیلات چیزی جز اولویت صاحب امتیاز نسبت به دیگران در دریافت تسهیلات نیست و به سبب این اولویت حقی برای صاحب امتیاز پدید می‌آید؛ همان‌گونه که بر اثر تحجیر اولویتی برای تحجیرکننده پدید می‌آید و منشأ حق برای وی می‌شود.

راجع به امتیاز تسهیلات و قابلیت انتقال آن به دیگران دو پرسش مطرح است؛ پرسش اول آنکه آیا صاحب امتیاز می‌تواند حق ناشی از اولویت خود را به دیگران منتقل کند؟ پرسش دوم آنکه در صورت امکان انتقال حق مزبور به دیگران آیا واگذارکننده امتیاز می‌تواند در ازای آن مبلغی دریافت کند؟ پرسش نخست از آن جهت مطرح است که برخی از حقوق قابلیت نقل به دیگران را ندارند؛ مانند حق قصاص و حق شفعه (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص۳۵). بنابراین باید بررسی شود که حق ناشی از اولویت در امتیاز تسهیلات از جهت قابلیت انتقال به دیگران چگونه است؟ پرسش دوم نیز از آن جهت مطرح است که برخی از حقوق در عین حال که قابل نقل به دیگری هستند؛ اما گرفتن عوض در قبال آن صحیح نیست (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج۱، ص۵۰). لذا باید دید صاحب حق ناشی از اولویت دریافت تسهیلات با فرض قابلیت نقل، آیا می‌تواند در ازای انتقال آن به دیگری عوض دریافت کند یا آنکه انتقال حتماً باید به صورت مجانی باشد؟

۴. امکان‌سنجی انتقال امتیاز تسهیلات به غیر

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، تخصیص امتیاز تسهیلات به افراد، گاهی از سوی شخص حقیقی یا نهاد حقوقی صورت می‌گیرد و گاهی حاصل کارکرد حساب مشتری است. اگر امتیاز وام به صورت مطلق به کسی اختصاص یافته باشد، از آن جهت که حقی برای وی ایجاد شده است، علی‌القاعده می‌تواند آن را به دیگری منتقل کند. اما اگر از ابتدا به صورت مقید اختصاص یافته باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری منتقل کند. بدین منظور باید به شخص یا نهاد تخصیص‌دهنده وام مراجعه کرد و کیفیت تخصیص امتیاز تسهیلات را پرس‌وجو کرد. درصورتی‌که ابهام در این زمینه وجود داشته باشد، با استناد به دلیل «الناس مسلطون علی اموالهم» می‌توان گفت اصل در مسئله، جواز انتقال امتیاز وام به دیگری است.

درصورتی‌که تعلق امتیاز وام به خاطر کارکرد حساب مشتری باشد، امکان انتقال آن نیز طبیعتاً حق وی خواهد بود؛ مگر آنکه در شرایط تعلق امتیاز وام عدم انتقال آن به دیگری قید شده باشد.

یک مسئلهٔ چالشی که در مورد انتقال امتیاز وام به افراد دیگر

باید مورد توجه قرار گیرد، انتقال تسهیلات بعد از دریافت آن است. توضیح آنکه اگر انتقال امتیاز وام قانونی باشد و بانک یا صندوق خود آن را تدبیر کرده باشد، طبیعتاً انتقال آن نیز بدون اشکال خواهد بود. اما اگر به لحاظ قانونی امکان انتقال وام فراهم نشده باشد، طبیعتاً صاحب امتیاز نمی‌تواند شخص دیگری را برای دریافت تسهیلات به بانک معرفی کند. اما گاهی دیده می‌شود که صاحبان امتیاز وام بعد از آنکه تسهیلات را به نام خود دریافت کردند، آن را به شخص دیگری واگذار می‌کنند. حال پرسش این است که چنین انتقالی آیا به لحاظ وضعی صحیح و به لحاظ تکلیفی جایز است؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است بین انواع تسهیلات تفکیک شود؛ اگر تسهیلات دریافتی از نوع تملیکی باشد (مانند قرض‌الحسنه)، شخص به محض دریافت وام، مالک آن شده و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند؛ مگر آنکه قرض‌دهنده شرط کرده باشد مبلغ قرض گرفته‌شده در محل خاصی مصرف شود. مثلاً اگر بانکی برای تأمین نقدینگی موردنیاز برای اجاره مسکن تسهیلات قرض‌الحسنه بدهد و شرط کند که قرض‌گیرنده آن را صرفاً برای اجاره مسکن استفاده کند؛ در این صورت تخصیص آن به مصارف دیگر و یا واگذاری آن به شخص دیگر با شرط مزبور منافات دارد. حکم شرعی مخالفت با چنین شرطی به مبنای فقیه در شروط ضمن عقد قرض بستگی دارد. در مورد قرض دو مبنا وجود دارد؛ برخی آن را عقد لازم (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص۳۴) و برخی دیگر عقد جایز می‌دانند (کرکی، ۱۴۰۹ق، ج۲، ص۳۱۰). مشهور فقها شروط مذکور ضمن عقود جایز را واجب‌الوفاء نمی‌دانند؛ اگرچه برخی معتقدند در عقود جایز مادامی‌که عقد فسخ نشده، عمل به شرط واجب است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج۵، ص۱۵۹). بنابراین فقیه باید راجع به لازم یا جایز بودن عقد قرض، اظهارنظر کند و اگر آن را عقد جایز دانست، باید راجع به حکم شروط ضمن عقود جایز نیز مبنای خود را تعیین کند. پس از اتخاذ مبنا، تکلیف عمل به شرط تعیین‌شده توسط قرض‌دهنده (ارائه‌دهنده تسهیلات) تعیین می‌شود.

نکته قابل توجه آنکه بنا بر لزوم عمل به شروط ضمن عقد قرض، چیزی جز تکلیف برای قرض‌گیرنده ایجاد نمی‌شود؛ یعنی عدم رعایت شروط بانک اگرچه معصیت است، اما به لحاظ اثر وضعی عمل وی صحیح است. به عبارت دیگر، اگر تسهیلات دریافتی را در جای دیگری مصرف کند، و یا به دیگری تملیک کند، عملش صحیح است. این بدان دلیل است که با تحقق عقد قرض و قبض، مالکیت به وام‌گیرنده منتقل می‌شود، و تنها تکلیفی که بر عهده وی می‌باشد عمل به شرط ضمن عقد قرض است. البته شایسته ذکر است که در صورت عدم پایبندی وی به شرط، قرض‌دهنده می‌تواند با استناد به تخلف شرط، عقد قرض را فسخ کند؛ و عین پول را پس بگیرد و اگر تلف شده، مثل آن را مسترد کند.

اگر تسهیلات پرداختی از نوع وکالتی باشد؛ به این معنا که دریافت‌کنندهٔ تسهیلات ابتدا باید معامله‌ای به وکالت از بانک انجام دهد و سپس معامله دوم را بین بانک و خودش انجام دهد، در این فرض دریافت‌کنندهٔ تسهیلات حتی پس از وصول مبلغ تسهیلات، مالک آن نمی‌شود؛ بلکه وی وکیل بانک در اختصاص آن مبلغ به مورد قرارداد است و اگر آن را به محل مصرف دیگری اختصاص دهد؛ معامله فضولی بوده و نیازمند اجازه بانک است. برهمین‌اساس دریافت‌کنندهٔ تسهیلات نمی‌تواند مبلغ دریافتی را در اختیار شخص دیگری قرار دهد. ممنوعیت انتقال تسهیلات وکالتی به غیر، هم به لحاظ تکلیفی است و هم به لحاظ وضعی؛ یعنی طرف مقابل اساساً مالک مال نمی‌شود.

۵. امکان‌سنجی مبادلهٔ امتیاز تسهیلات با اموال

همان‌گونه که در قسمت قبل بیان شد، امکان انتقال امتیاز وام گاهی در قانون تعبیه شده و با اجازهٔ پرداخت‌کنندهٔ تسهیلات انجام می‌شود؛ گاهی نیز قانون آن را منع کرده و به‌رغم آن، دریافت‌کنندهٔ تسهیلات آن را به دیگری واگذار می‌کند. در هر دو صورت ممکن است صاحب امتیاز تسهیلات در ازای واگذاری آن، تقاضای مبلغی بکند. جواز دریافت این مبلغ هم از جهت مقتضی و هم از جهت مانع قابل بررسی است. یعنی باید دید آیا اساساً امتیاز وام بدون لحاظ نهی از انتقال آن، قابلیت مبادله با مال را دارد؟ بعد از اثبات وجود مقتضی باید دید آیا نهی از واگذاری آن به دیگری می‌تواند مانعی برای دریافت عوض باشد؟

۶. بررسی مسئله از جهت مقتضی

مبادلهٔ هر چیزی با اموال، متوقف بر مالیت داشتن آن چیز است. یعنی نمی‌توان «لا مال» را با «مال» مبادله کرد و آیهٔ «لاَ تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» ـ بنا بر اینکه «باء» به معنای مقابله باشد (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج۳، ص۵۸۰) ـ بر همین مطلب دلالت می‌کند. ازاین‌رو، جواز دریافت پول بابت واگذاری امتیاز تسهیلات،

متوقف بر اثبات مالیت امتیاز تسهیلات یا لااقل اثبات صحت قرار گرفتن مال در مقابل آن است.

به نظر می‌رسد با تعریف لغوی و اصطلاحی مال، بتوان راجع به مالیت امتیاز وام قضاوت کرد. بسیاری از اهل لغت واژه مال را بی‌نیاز از تعریف دانسته و گفته‌اند: «المال معروف» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص۳۴۴؛ ابن‌عباد، ۱۴۱۴ق؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص۱۸۲۱؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص۵۸۶). اما برخی دیگر با تفصیل بیشتری به تبیین معنای این واژه پرداخته‌اند. *ابن‌اثیر* می‌گوید: «الْمَالُ فی الأصل: ما یُملک من الذهب و الفضّة، ثم أطلق علی کلّ ما یُقتنی و یُملک من الأعیان» (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۴، ص۳۷۲). برخی از فقها در مقام تعریف اصطلاحی مال، به بیان ویژگی‌های آن بسنده کرده‌اند؛ *محقق رشتی* می‌گوید: «فالذی یستفاد من کلماتهم فی تعریف المال أمران: أحدهما: هو ما ینتفع به أو ببدله، الثانی: ما یبذل فی مقابله العوض» (رشتی، ۱۴۰۷ق، ص۵۰۹). البته *محقق ایروانی* این تعریف را به دلیل اشتمال بر کلمه مال، تعریف دوری دانسته و می‌گوید: «إنّ تعریف المال بأنه ما یبذل بإزائه المال فی غایة الفساد فإنه من أخذ المعرَّف فی التعریف و الظّاهر أنه لا إشکال فی اعتبار أمرین فی تحقّق مفهومه: أحدهما حاجة النّاس إلیه فی أمور دنیاهم أو عقباهم و الثانی عدم إمکان الوصول إلیه بلا إعمال عمل» (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج۱، ص۱۶۵).

در عبارت فوق نیز تعریف مستقیمی از مال ارائه نشده و صرفاً به بیان ویژگی‌های آن بسنده شده است. یکی از محققان معاصر می‌نویسد: «مقصودنا بالمال فی المقام ما یرغب فی امتلاکه بالعوض ذاتاً امتلاکاً غیرَ محرّم» (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص۱۰۷). در این تعریف کلمه «ذاتاً» اشاره به موردی دارد که عدم رغبت به تملک آن به دلیل خاصی عارض شده است؛ مثلاً مال موقوفه ذاتاً مورد رغبت است؛ اما وقف به‌عنوان یک مانع عارضی، رغبت مزبور را از بین برده است. قید «غیر محرم» نیز برای اخراج مثل خمر که شرعاً مالیت آن الغاء شده، آورده شده است (همان).

براساس این تعریف و همچنین تعاریف پیشین می‌توان مال بودن امتیاز تسهیلات را تأیید کرد. امروزه دریافت تسهیلات مورد مطالبه بسیاری از مردم است؛ و حتی برخی حاضرند بابت به دست آوردن آن مبلغی پرداخت کنند؛ پس ذاتاً مورد رغبت عقلا است و می‌توان اذعان کرد که مقتضی مالیت در آن وجود دارد. امتیاز تسهیلات در حقیقت یک اولویت برای صاحب امتیاز نسبت به دیگران است و در فقه موارد فراوانی وجود دارد که فرد در ازای واگذاری حق ناشی از اولویت به دیگری می‌تواند از وی طلب مال کند. مثلاً پرداخت پول به کسی که در نقطه‌ای از مسجد نشسته، برای آنکه محل عبادت خود را تخلیه کند، جایز است (حائری، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص۱۴۱). مثال دیگر کسی است که برای دستیابی به چیزی (مثلاً خرید نان از نانوایی و یا دریافت غذای نذری یا ویزیت پزشک) در صف انتظار قرار گرفته و اولویتی کسب کرده است و افراد دیگر حاضرند با پرداخت مبلغی به وی حائز موقعیت و جایگاه وی شوند.

حتی اگر حق مزبور مال به حساب نیاید؛ به این لحاظ که متعلق آن مال است، قابل مبادله با مال می‌باشد. توضیح آنکه برای اینکه یک مبادله مصداق اکل مال به باطل نباشد، لازم نیست مبادله عیناً بین دو مال انجام شود؛ چه‌بسا یک طرف مبادله مال و طرف دیگر حقی باشد که به مال تعلق گرفته است. مثلاً در بیع اختیار معامله که معمولاً توسط شرکت‌های بزرگ برای خرید مواد اولیه در شرایط نااطمینانی نسبت به آینده صورت می‌گیرد، مال (پول پرداخت‌شده) در مقابل حق اختیار معامله که به مال (مواد اولیه) تعلق گرفته، قرار می‌گیرد. در بحث خرید و فروش امتیاز وام نیز پول پرداخت شده در مقابل امتیاز دریافت وام که حقی است متعلق به مال، قرار می‌گیرد.

۷. بررسی مسئله از جهت مانع

همان‌گونه که بیان شد، نسبت به صحت دریافت پول در ازای انتقال حق ناشی از امتیاز وام، مقتضی موجود است؛ اما بررسی مسئله به لحاظ وجود مانع نیز ضروری است.

گاهی پرداخت وام به مشتری به اعتبار موجودی حساب وی است. اگر حساب سپرده‌گذاری از نوع تملیکی باشد، در این صورت مشتری مبالغ واریزی را به بانک قرض داده است. و چون دریافت زیادی مشروط در قرض، ممنوع است؛ بنابراین صاحب حساب سپرده نمی‌تواند دریافت وام از بانک را در ضمن سپرده‌گذاری شرط کند؛ چون این شرط، زیاده حکمی محسوب می‌شود؛ اگرچه برخی از متقدمین آن را جایز می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص۱۰۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص۳۱۹). درصورتی‌که فقیه قرض به شرط قرض را مصداق ربا و حرام بداند، و سپرده‌گذار چنین شرطی کرده باشد، شرعاً حقی برای وی ایجاد نمی‌شود و نمی‌تواند در ازای انتقال امتیاز تسهیلات به دیگری پولی دریافت کند؛ چون اساساً این حق برای وی ایجاد نشده است؛ حتی اگر بانک یا مؤسسهٔ مالی متلزم به چنین حقی برای وی باشد و حاضر باشد به شخص معرفی‌شده توسط وی، وام دهد.

اما اگر شرطی در میان نباشد و بانک خود چنین امتیازی را به

مشتری واگذار کند، مانعی از جهت ربا پیش نمی‌آید. البته ممکن است تعلق تسهیلات به صاحب سپرده، شرطی باشد که عقد بر آن بنا شده است؛ یعنی مسئول بانک و مشتری قبلاً بر آن توافق کرده‌اند، ولی در متن قرارداد سپرده‌گذاری به آن اشاره نشده و یا اینکه رویه بانک پرداخت وام به ازای سپرده‌گذاری است؛ در این مورد فقیه باید مبنای خود را راجع به شرط مبنی علیه العقد یا رویه بانک در اعطای تسهیلات تعیین کند.

اگر سپرده‌گذاری تملیکی نباشد؛ بلکه بانک از سوی مشتری وکیل باشد تا سرمایه وی را در قالب یکی از عقود شرعی همچون مضاربه، فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک و... به کار گیرد، در این صورت سپرده‌گذار می‌تواند علاوه بر مشارکت در سود، دریافت تسهیلات را نیز در متن قرار داد شرط کند. البته ممکن است فقیهی اشتراط دریافت تسهیلات در عقود مشارکتی را همچون اشتراط دریافت سود تلقی کند و آن را جایز نداند بنابراین فقیه باید در این زمینه مبنای خود را اتخاذ کند.

ممکن است گفته شود پرداخت پول برای به دست آوردن امتیاز تسهیلات از سوی خریدار امتیاز، شبهه ربا دارد؛ به این بیان که وی ملزم است در ازای دریافت وام از بانک مبلغی را به صاحب امتیاز وام پرداخت کند.

در پاسخ باید گفت اولاً در این مسئله بانک، قرض‌دهنده و خریدار امتیاز وام، قرض‌گیرنده و فروشنده امتیاز وام شخص ثالث است؛ حتی اگر گفته شود قرض‌گیرنده مجبور است برای دریافت وام مبلغی پرداخت کند، این پرداخت به شخص ثالث است؛ و حرمت شرط پرداخت زیاده به شخص ثالث اتفاقی نیست و برخی آن را جایز می‌دانند (مکارم شیرازی، بی‌تا، ص ۶۹). ثانیاً زیاده مشروط در متن عقد قرض اشکال دارد درحالی‌که پرداخت پول برای دریافت امتیاز وام پیش از دریافت وام صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از موانع دریافت پول، بابت واگذاری امتیاز تسهیلات، عدم موافقت نهاد ارائه‌دهنده تسهیلات با انتقال امتیاز به دیگری است. توضیح آنکه گاهی به لحاظ قانونی امکان انتقال امتیاز تسهیلات وجود دارد؛ بنابراین صاحب امتیاز بعد از دریافت پول، خریدار را به بانک معرفی می‌کند و بانک تسهیلات را به وی پرداخت می‌کند. تسهیلات اوراق گواهی حق تقدم که در بانک مسکن راه‌اندازی شده، از این سنخ تسهیلات است. هر فردی طبق شرایطی که بانک مسکن اعلام کرده می‌تواند با افتتاح حساب و سپرده‌گذاری مبلغی معین، اوراقی را که گواهی حق تقدم وی نسبت به دریافت وام مسکن است، دریافت کند. این اوراق قابل خرید و فروش در بورس است.

اما گاهی بانک یا مؤسسه مالی اجازه واگذاری امتیاز وام به دیگری را نمی‌دهد. طبیعتاً صاحب امتیاز نمی‌تواند دیگری را برای دریافت تسهیلات به بانک یا مؤسسه مالی معرفی کند. با وجود این، گاهی دیده می‌شود که صاحب امتیاز بعد از دریافت تسهیلات، آن را به دیگری واگذار کرده و مبلغی را دریافت می‌کند. در این صورت، دریافت پول از دیگری به ازای واگذاری تسهیلات به وی مطلقاً اشکال دارد. توضیح آنکه اگر سپرده‌گذار مبلغ تسهیلات را خود از بانک یا مؤسسه مالی دریافت کند و سپس آن را در ازای مبلغی به دیگری واگذار کند؛ دو حالت قابل تصور است؛ اول آنکه تسهیلات دریافتی قرض باشد؛ در این صورت به محض دریافت تسهیلات، وی مالک آن می‌شود و اگر بخواهد آن را به دیگری واگذار کند، در واقع به وی قرض می‌دهد؛ و در ازای قرض نمی‌تواند زیادی مشروط دریافت کند. اگر گفته شود مبلغ دریافتی در مقابل امتیاز وام است، نه به ازای قرض؛ پاسخ آن است که امتیاز وام تا زمانی صدق می‌کند که وام دریافت نشده باشد؛ به محض دریافت وام امتیاز نیز استفاده شده و دیگر امتیازی وجود ندارد تا به دیگری منتقل شود. بنابراین دریافت‌کنندهٔ وام اگر بخواهد آن را به دیگری واگذار کند و پولی دریافت کند در حقیقت به ازای قرض دادن به وی، زیاده دریافت کرده است؛ و این زیاده اگر به صورت مشروط باشد، دریافت آن شرعاً حرام است و وی مالک زیاده نمی‌شود.

اما اگر تسهیلات دریافتی از نوع وکالتی باشد، در این صورت اساساً سپرده‌گذار مالک تسهیلات نمی‌شود تا بتواند در مقابل دریافت مبلغی و یا حتی بدون عوض، آن را به دیگری منتقل کند. مثلاً فرض کنید کسی تسهیلات فروش اقساطی لوازم خانگی دریافت می‌کند؛ وی وکیل بانک در مصرف مبلغ تسهیلات در مورد تعیین شده است. بنابراین واگذاری آن به دیگری خلاف قرارداد است و باعث بطلان وکالت شده و به لحاظ شرعی نیز انتقال پول به دیگری محقق نمی‌شود. او نمی‌تواند به ازای واگذاری تسهیلات وکالتی مبلغی از دیگران دریافت کند؛ چون اساساً تسهیلات منتقل نمی‌شود. دریافت پول در این فرض اکل مال به باطل است.

در مورد واگذاری امتیاز تسهیلات وام مسکن به صورتی‌که در بانک‌ها رایج است، مسئله فرق می‌کند. معمولاً بانک تسهیلات را مستقیم در اختیار صاحب امتیاز قرار نمی‌دهد و از وی می‌خواهد واحد

مسکونی موردنظر خود را با شرایطی که بانک تعیین می‌کند، انتخاب کند؛ سپس بانک مستقیماً مبلغ وام را به حساب فروشنده واریز می‌کند. اما گاهی ممکن است صاحب امتیاز (شخص الف) بخواهد منافع استفاده از تسهیلات را در ازای مبلغی به دیگری (شخص ب) واگذار کند؛ در این صورت شخص الف با شخص ب توافق می‌کند در ازای پرداخت مبلغی به وی، از امتیاز وام وی استفاده کند. بدین منظور شخص ب واحد مسکونی دلخواه خود را که دارای حداقل شرایط مدنظر بانک باشد، خریداری می‌کند؛ اما قرارداد مکتوب (قولنامه) به نام شخص الف که صاحب امتیاز تسهیلات است، صادر می‌شود. سپس بانک مبلغ تسهیلات را مستقیم به فروشنده واحد مسکونی پرداخت می‌کند. طبق توافق، شخص ب مبلغی را در ازای استفاده از تسهیلات به شخص الف که صاحب امتیاز وام بوده، پرداخت می‌کند و در ضمن یک نوشته از وی اقرار می‌گیرد که واحد مسکونی متعلق به شخص ب است.

در این روش پرداخت، اگر تسهیلات از نوع قرض‌الحسنه باشد؛ با معرفی فروشندهٔ واحد مسکونی به بانک توسط شخص الف، بانک مبلغ تسهیلات را ابتدا به وکالت از شخص الف قبض می‌کند (تا پرداخت قرض محقق شود) و سپس به وکالت از وی به فروشنده واحد مسکونی به عنوان ثمن پرداخت می‌کند. در این روش بدون هیچ اشکالی فروشنده واحد مسکونی مالک تسهیلات پرداخت شده می‌شود؛ اگر چه صاحب امتیاز تسهیلات (شخص الف) با اعلام اینکه بابت خرید مسکن به فروشنده بدهکار است، دروغ گفته و مرتکب معصیت شده است (چون در واقع شخص ب مسکن را خریده و به فروشنده بدهکار است). اما وی نمی‌تواند از خریدار واقعی واحد مسکونی (شخص ب) مبلغی را دریافت کند؛ چون بانک به وکالت از وی بدهی او (شخص ب) را پرداخت کرده است؛ در چنین مواردی دریافت هر مبلغی بیشتر از اصل بدهی، مصداق ربا و حرام است (صدر، ۱۴۰۱ق، ص ۱۶۹ـ۱۷۱).

اگر تسهیلات پرداختی از نوع فروش اقساطی باشد، بعد از معرفی فروشندهٔ واحد مسکونی به بانک توسط شخص الف، بانک به صورت مستقیم سهم خود از واحد مزبور را خریده و در قالب اجاره به شرط تملیک یا فروش اقساطی به شخص الف منتقل می‌کند. در این صورت شخص الف با شخص ب به اندازه سهمی که بانک به وی فروخته است، شریک می‌شود و می‌تواند سهم خود را به مبلغی بیشتر از اصل تسهیلات و سود آن به شخص ب منتقل کند؛ با این شرط که شخص ب معادل اصل و سود تسهیلات به بانک پرداخت کند و بقیه ثمن را به شخص الف پرداخت کند. البته ازآنجاکه معمولاً در تسهیلات مسکن، واحد خریداری‌شده در رهن بانک قرار می‌گیرد، معامله مزبور فضولی خواهد بود و انتقال آن متوقف بر اجازه بانک یا پرداخت تمامی اقساط و فک رهن است.

اما اگر تسهیلات پرداختی در قالب اجاره به شرط تملیک باشد، صاحب امتیاز (شخص الف) با دریافت مبلغی واحد مسکونی را به شخص ب واگذار می‌کند و متعهد می‌شود که بعد از اتمام مدت اجاره و پرداخت اجاره توسط وی، واحد مسکونی را که بانک به وی تملیک کرده است به شخص ب منتقل کند. به نظر می‌رسد این معامله صحیح است و مشکل فضولی بودن را نیز ندارد.

۸. فروش امتیاز وام توسط خود بانک

امتیاز تسهیلات معمولاً حاصل متوسط موجودی صاحبان حساب است. اما گزارش‌های میدانی حاکی از آن است، که بانک‌ها در مواردی با گرفتن مبلغی از افراد فاقد حساب یا افراد فاقد موجودی کافی، به آنها وام می‌دهند (سایت اقتصادنیوز، ۲۴/۰۲/۱۳۹۷). در این مورد اگرچه ـ در ظاهر بانک امتیاز وام را به مشتری می‌فروشد و سپس مشتری براساس امتیازی که دارد نسبت به دریافت تسهیلات اقدام می‌کند؛ اما واقعیت عملیات انجام‌شده منطبق بر بیع نیست؛ چون هنوز امتیازی شکل نگرفته تا بانک بتواند آن را به مشتری بفروشد. این مسئله نظیر آن است که قرض دهنده اعلام کند، حاضر است در مقابل دریافت مبلغی، به افراد متقاضی قرض بدون سود دهد؛ این ترفند بدون شک حیلهٔ رباست. البته اگر تسهیلات پرداختی قرض‌الحسنه نباشد، بلکه فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک باشد، دریافت پول شبهه ربا ندارد؛ چون قرضی در میان نیست. فقیه باید در این زمینه اظهارنظر کند که آیا دریافت پول در ازای پرداخت تسهیلات وکالتی نظیر اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی جایز است یا نه؟

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه معمولاً تقاضای وام بیش از عرضه آن است و منابع نهادهای مالی مثل بانک محدود است و همچنین لزوم حصول اطمینان از بازپرداخت تسهیلات، این نهادها بعضاً شرایط سخت‌گیرانه‌ای برای ارائه تسهیلات تعیین می‌کنند. این امر باعث شده دستیابی به تسهیلات بانکی به یک امتیاز برای برخی که شرایط دریافت آن را دارند، تبدیل شود؛ به حدی که دیگران حاضر

هستند در مقابل به‌دست آوردن آن، پول پرداخت کنند و برهمین‌اساس بازاری برای این تسهیلات شکل گرفته است.

برای بررسی حکم خرید و فروش امتیاز وام ابتدا لازم است ماهیت فقهی امتیاز تسهیلات را بررسی کرد و سپس خرید و فروش امتیاز تسهیلات را در دو مرحله بررسی کرد؛ مرحلهٔ اول اینکه آیا اساساً امکان انتقال امتیاز به دیگری وجود دارد؟ مرحله دوم اینکه به فرض امکان انتقال امتیاز وام به دیگری، آیا گرفتن پول بابت انتقال امتیاز جایز است؟

ماهیت امتیاز تسهیلات از نوع حق است؛ یعنی اولویت صاحب امتیاز نسبت به دیگران در دریافت تسهیلات؛ و به سبب این اولویت حقی برای صاحب امتیاز پدید می‌آید. در مورد امکان انتقال این حق به دیگران باید گفت تخصیص امتیاز تسهیلات به افراد، گاهی از سوی شخص حقیقی یا نهاد حقوقی صورت می‌گیرد و گاهی حاصل کارکرد حساب مشتری است. اگر امتیاز وام به صورت مطلق به کسی اختصاص یافته باشد، از آن جهت که حقی برای وی ایجاد شده، علی‌القاعده می‌تواند آن را به دیگری منتقل کند. اما اگر از ابتدا به صورت مقید اختصاص یافته باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری منتقل کند. نکته مهم در این رابطه آن است که انتقال تسهیلات بعد از دریافت آن است. این انتقال در تسهیلات تملیکی مثل قرض‌الحسنه صحیح است و اگر بانک از آن منع کرده باشد، فقط اثر تکلیفی دارد. اما در تسهیلات وکالتی انتقال اساساً واقع نمی‌شود؛ چون مشتری وکیل بانک است و تصرفات خلاف مقتضای وکالت نافذ نیست.

در مورد جواز گرفتن پول در ازای انتقال امتیاز وام، باید گفت مسئله هم از جهت مقتضی و هم از جهت مانع نیاز به بررسی دارد. با توجه به تعریف مال که گفته شده آنچه تملک آن ذاتاً مورد رغبت عقلا است باید گفت امروزه دریافت تسهیلات مورد مطالبه بسیاری از مردم است؛ پس ذاتاً مورد رغبت عقلا است و می‌توان اذعان کرد که مقتضی مالیت در آن وجود دارد.

به لحاظ وجود مانع هم باید گفت: گاهی پرداخت وام به مشتری به اعتبار موجودی حساب وی است. اگر حساب سپرده‌گذاری از نوع تملیکی باشد، و بانک خود بدون هیچ شرطی این امتیازی را به مشتری واگذار کرده باشد، صاحب امتیاز می‌تواند برای انتقال امتیاز این وام به دیگری پول بگیرد. آنچه که تاکنون گفته شد در مورد انتقال امتیاز وام و پول گرفتن در ازای آن بود. اما اگر صاحب امتیاز وام، وام را دریافت کند و بخواهد به دیگری منتقل کند، نمی‌تواند هیچ‌گونه پولی از وی بگیرد و این چنین پولی مصداق ربا است.

منابع

ابن‌اثیر، مبارک‌بن محمد، بی‌تا، ***النهایة فی غریب الحدیث و الأثر***، قم، اسماعیلیان.

ابن‌عباد، اسماعیل‌بن، ۱۴۱۴ق، ***المحیط فی اللغه***، بیروت، عالم الکتاب.

ایروانی، علی‌بن عبدالحسین، ۱۴۰۶ق، ***حاشیة المکاسب***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بحرالعلوم، محمدبن محمدتقی، ۱۴۰۳ق، ***بلغة الفقیه***، چ چهارم، بی‌جا، منشورات مکتبة الصادق.

جوهری، اسماعیل‌بن حماد، ۱۴۱۰ق، ***الصحاح ـ تاج اللغة و صحاح العربیة***، بیروت، دارالعلم للملایین.

حائری، سیدکاظم، ۱۴۲۳ق، ***فقه العقود***، چ دوم، قم، مجمع اندیشه اسلامی.

حلی، حسن‌بن یوسف‌بن مطهر، ۱۴۱۳ق، ***قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام***، قم، جامعهٔ مدرسین.

رشتی، میرزاحبیب‌الله، ۱۴۰۷ق، ***فقه الامامیه*** (قسم الخیارات)، قم، کتابفروشی داوری.

سایت اقتصاد آنلاین، www.eghtesadonline.com.

سایت اقتصادنیوز، www.eghtesadnews.com

سایت بانک مسکن، www.bank-maskan.ir

سایت دیوار(https://divar.ir) بخش: خدمات، زیر بخش: مالی/حسابداری/ بیمه

سایت وامچی، https://vamchi.com.

شهیدی تبریزی، میرزافتاح، ۱۳۷۵ق، ***هدایة الطالب إلی أسرار المکاسب***، بی‌جا، چاپخانه اطلاعات تبریز.

صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۱ق، ***البنک اللاربوی***، چ هفتم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

طباطبایی حکیم، سیدمحسن، ۱۴۱۶ق، ***مستمسک العروة الوثقی***، قم، مؤسسهٔ دار التفسیر.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۹ق، ***العروة الوثقی فیما تعم به البلوی***، قم، جامعهٔ مدرسین.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۱۰ق، ***کتاب العین***، چ دوم، قم، هجرت.

فیومی، احمدبن محمد، بی‌تا، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***، قم، شریف الرضی.

کرکی، علی‌بن حسین (محقق ثانی)، ۱۴۰۹ق، ***رسائل المحقق الکرکی***، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر، بی‌تا، ***ربا و بانکداری اسلامی***، قم، بی‌تا.

مکی عاملی، زین‌الدین‌بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، ***الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة***، قم، کتابفروشی داوری.

مکی عاملی، محمدبن (شهید اول)، ۱۴۱۷ق، ***الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة***، چ دوم، قم، جامعهٔ مدرسین.

موسویان، سیدعباس، ۱۳۷۷، «بهره همان رباست»، ***نقد و نظر***، ش ۱و۲، ص ۴۳۴ـ۴۶۲.

ـــــ ، ۱۳۸۳، «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید»، ***اقتصاد اسلامی***، ش ۱۵، ص ۳۱ـ۵۴.